

مطالعه تطبیقی بازتاب فرهنگ مقاومت در ادبیات معاصر لبنان و فلسطین

(مطالعه موردی اشعار بولس سلامه و اشعار مطلق عبدالخالق)

فاطمه ایزدی رقیچه^۱

چکیده

جهان معاصر تحولات اجتماعی شگرفی را شاهد است. جنگ‌ها و استبدادهای داخلی و خارجی در بسیاری کشورها اتفاق افتاده است. بدیهی است که ادبیات و شعر ملل نیز، در مسیر پایداری مقابل ظلم‌های وارد شده بر هر جامعه ایفای نقش کند. پس برای تقویت فرهنگ مقاومت ضمن واکاوی تعالیم قرآن، کشف مؤلفه‌های کاربردی در شاخه‌های مختلف هنر ضروری است، تا آن هنر به خدمت فرهنگ قرآنی درآید و در نتیجه شکوفایی جامعه تحقق یابد. دو ملت فلسطینی و لبنانی مشترکاً طعم تلخ تجاوز بیگانگان به خاک وطن را چشیده‌اند، هر دو ملت عرب با ویژگی‌های مشترک فرهنگی، تاریخی، اعتقادی هستند؛ البته با تفاوت‌هایی اندک که می‌توانند زاویه دید متفاوتی به مضمون پایداری در نگاه ملی و جهانی را باعث شود. پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی اشعار بولس سلامه^۲ و مطلق عبدالخالق^۳ را با تأکید بر مضمون مقاومت بررسی می‌کند. کشف شاخصه‌های مشترک فرهنگ مقاومت در ادبیات معاصر و بررسی ویژگی‌هایی که هر یک از دو شاعر با توجه به بوم و شرایط سیاسی- اجتماعی کشور خود، اولویت قرار داده‌اند، هدف اصلی پژوهش است. داده‌ها با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، با استراتژی تحلیل تماتیک بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد مضامین

۱. فارغ التحصیل، گروه پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران پست الکترونیک: f.izadi@pgs.usb.ac.ir

۲. هنرمند اهل لبنان.

۳. هنرمند اهل فلسطین.

استخراج شده عبارت‌اند از القای امید، تمجید شهادت، مبارزان و اسطوره‌های دینی، افشای ظالمان و نکوهش حاکمان، وطن پرستی و دعوت به جهاد. همچنین سلامه با استفاده از سبک روایی گونه و استناد به الگوهای تاریخی مقاومت مانند حضرت علی (ع) برای احیای فرهنگ مقاومت تلاش می‌کند، اما عبدالخالق بیشترین تأکیدش احیای روحیه وطن پرستی است.

واژگان کلیدی: فرهنگ مقاومت، ادبیات معاصر، ادبیات پایداری فلسطین، ادبیات پایداری لبنان، ادبیات پایداری، بولس سلامه، مطلق عبدالخالق.



۱. مقدمه

خداوند استقامت و پایداری در برابر ظلم را وظیفه هر فرد دانسته است؛ فلذا می‌توان فرهنگ مقاومت را، فرهنگی ناشی از تعالیم قرآنی تصور کرد. (فرمی باف و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۸) سه عنصر باور، ارزش و رفتار از عناصر اصلی ساخت فرهنگ به شمار می‌روند. (ملکی‌راد، ۱۴۰۰: ۱۴۹) یکی از ابزارهای اصلی شکل‌دهی به این سه عنصر اساسی فرهنگ در هر جامعه، هنر است. هنر شاخه‌های مختلفی دارد. که در جهان عرب و ایران اسلامی ادبیات، به‌ویژه شعر یکی از اصلی‌ترین گرایش‌های هنر محسوب می‌شود؛ لذا برای تقویت فرهنگ مقاومت - ضمن واکاوی تعالیم قرآن - کشف مؤلفه‌هایی کاربردی در هنر الزامی است، تا هنر - به‌ویژه این شاخه از ادبیات یعنی شعر - به خدمت فرهنگ قرآنی درآید و به شکوفایی جامعه منتج شود.

درباره ادبیات مقاومت می‌توان گفت که ترجمان خودآگاهی و هویت بوده و با هدف آزادی و آرمان‌خواهی مطرح می‌شود. از نظر تاریخی این ادبیات بیشتر از نیمه دوم قرن اخیر و دوران جنگ‌های اعراب و اسرائیل شایع شده است؛ اما پیش از آن نیز وجود داشته است به‌طوری‌که حتی در صدر اسلام نیز بین اعراب با هدف دفاع از ارزش‌های اسلامی و پیامبر، در میدان جنگ و ... بروز و ظهور داشته است. (رضوان، ۱۳۸۹: ۱۶۰) بر کسی پوشیده نیست که اعراب بیشترین بروز هنرشان در شعر بوده است و هر چه زمان می‌گذرد شعر همچنان محل بروز کنش‌های سیاسی و اجتماعی‌شان است. نودامادی معتقد است که «شعر معاصر رویکردی واقع‌گرایانه دارد لذا خود را همراه با جامعه می‌بیند در تلاش است که خود را در تعیین سرنوشت جامعه سهیم کند». (نودامادی، ۱۳۹۵: ۲۹) تحولات سیاسی - اجتماعی قرن اخیر قطعاً شعر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. پس زمانی که شعر معاصر بازتاب تجربه‌های انسانی حاصل از همین تحولات شگرف است بدیهی است که ادبیات پایداری نیز ادبیاتی مردمی است و شاعری که شعر مقاومت می‌سراید نیز از میان مردم و همراه با آرمان‌ها و ارزش‌های توده مردم است.

فلسطین و لبنان دو کشور از جهان عرب هستند؛ دارای مشترکات گسترده تاریخی، اجتماعی، زبانی، هنری و سیاسی با یکدیگر. همچنین ابتلائات و مشکلاتی بسیار شبیه به یکدیگر؛ لذا اگر قرار باشد آثار شاعران این دو کشور در دوره معاصر بررسی شود پیش فرض مشخص است که هنرمندان هر دو کشور به طور کلی دغدغه‌ها و احساس وظیفه‌های مشترکی دارند و احتمالاً فقط در جزئیات باید به دنبال تفاوت‌ها بود. در پژوهش حاضر قرار است با استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای ویژگی‌های فرهنگ مقاومت، شاخصه‌های ادبیات مقاومت، همچنین ویژگی‌های مقاومت از منظر قرآن جمع‌آوری شود. سپس محتوای آثار دو شاعر پیشگام فلسطینی و لبنانی بر اساس مضامین و مؤلفه‌های به دست آمده بررسی شوند؛ تأکید و اولویت‌های هر کدام از دو شاعر کشف شود. علت انتخاب دو هنرمند - بولس سلامه و مطلق عبدالخالق - کاملاً هدفمند بوده است. ۱. در انتخاب دو شاعر تأکیدی بر همسانی در مذهب و آیین نبوده است. ۲. در عین حال اینکه هر دو هنرمند منتخب تحصیلاتشان را در کشور خودشان سپری کرده باشند تا بیشترین تأثیرپذیری را از احوال اجتماعی، سیاسی و هنری همان بوم داشته باشند، تأکید پژوهشگر بوده است. ۳. همچنین تلاش شده تا هنرمندی انتخاب شود که دوران پیش از درگیری اعراب و اسرائیل را دیده باشند. ۴. همچنین هر دو در کشور خود پیشگام و نام آشنا باشند.

تاکنون پژوهش‌هایی تطبیقی راجع به ادبیات پایداری در صدر اسلام، ادبیات پایداری در کشورهای فارسی‌زبان و جهان عرب، بررسی ادبیات پایداری عراق و فلسطین به عنوان دو کشور تحت اشغال در قرن معاصر، انجام گرفته است. همچنین آثار دو شاعر بولس سلامه و مطلق عبدالخالق نیز به صورت مجزا پژوهش شده است. غدیره‌های بولس سلامه با شهریار مقایسه شده است. همچنین اشعار عبدالخالق از منظر مؤلفه‌های رومانسیسم بررسی شده است. لیکن هیچ پژوهشی به طور مشترک در مورد این دو شاعر و با مضمون ادبیات مقاومت صورت نگرفته است. در تحقیق حاضر قرار است جلوه‌های فرهنگ مقاومت در اشعار پایداری این دو شاعر بررسی شود. همچنین هیچ پژوهش تطبیقی راجع به ادبیات پایداری صدر اسلام و مؤلفه‌های شاخص‌ترین شاعران شاخص آن دوره و ادبیات پایداری معاصر

و مؤلفه‌های شاخص‌تر بین شاعران معاصر انجام نگرفته است که برای آینده پژوهشی با چنین موضوعی پیشنهاد می‌شود. همچنین مفهوم شهادت در ادبیات پایداری معاصر و جایگاه زن در ادبیات پایداری معاصر از جمله پژوهش‌هایی است که در حوزه فرهنگ مقاومت و ادبیات پایداری صورت گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد در پژوهش‌هایی به صورت مجزا به آثار بولس سلامه و عبدالخالق پرداخته شده است، لیکن هیچ پژوهش تطبیقی مضمونی که بازتاب فرهنگ مقاومت در ادبیات را در آثار این دو شاعر، بر اساس شاخصه‌های ادبیات پایداری بررسی کند صورت نگرفته است. بر همین اساس پژوهش حاضر تلاشی نوآورانه در این زمینه محسوب می‌شود. در ادامه به برخی پژوهش‌هایی که مرتبط با بولس سلامه، مطلق عبدالخالق و فرهنگ مقاومت انجام شده با رویکرد مکتب آمریکایی اشاره می‌شود:

محسنی‌نیا در سال ۱۳۸۸ در مقاله‌ای با عنوان «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» به زمینه‌های بروز ادبیات مقاومت در ایران و جهان عرب در عصر حاضر پرداخته و نمادهای شعر مقاومت را در ایران و کشورهای عربی به صورت تطبیقی بررسی کرده است. از منظر محسنی‌نیا ادبیات مقاومت زنده و فعال است و از گذشته بوده است و به اقتضای زمان و شرایط سیاسی اجتماعی در هر کشوری احیا و بروز مجدد پیدا می‌کند. این تحقیق به شاخصه‌های ادبیات پایداری پرداخته و تنها به عنصر نماد که زیرمجموعه تمجید از قهرمانانی که خصیصه ظلم‌ستیزی و تسلیم‌ناپذیری دارند، پرداخته است. رضوان در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به ریشه‌های ادبیات مقاومت» به بررسی شعر مقاومت در صدر اسلام پرداخته است. این مقاله از منظر قرآن و سنت نبوی شعر را ارزش‌گذاری کرده و شاخصه‌هایی برای شعر مقاومت معرفی کرده و شاعران مقاومت صدر اسلام را نیز معرفی کرده است. شمس‌الدینی و خسروی در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی غدیریه‌های فارسی و عربی» به بررسی تطبیقی غدیریه‌های فارسی و عربی بین شهریار و

بولس سلامه پرداخته‌اند. در این مقاله زاویه نگاه هر یک از دو شاعر و دیدگاهشان به واقعه غدیر و حضرت علی (ع) با رویکرد تطبیقی، بررسی شده است. لنگرودی و جمال در سال ۱۴۰۱ در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مضامین اجتماعی در شعر محمود درویش و قهار عاصی» طبقه‌بندی خوبی از شعر معاصر ارائه داده‌اند. اینکه ادبیات پایداری زیرمجموعه‌ای از شعر معاصر است و همچنین وقتی مضامین اجتماعی شاعر معاصری بررسی می‌شود در حقیقت می‌تواند همپوشانی داشته باشد با مضامین مقاومتی که در اشعار او نیز مشهود است.

۳. روش تحقیق

داده‌های پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و سندکاوی جمع‌آوری شده است. روش سازماندهی توصیفی تحلیلی است و از رویکرد تطبیقی مضمونی استفاده شده است. روش تحقیق بر اساس استراتژی کیفی تحلیل تماتیک پیش رفته است. محتوای اشعار براساس شاخصه‌های ادبیات پایداری کدگذاری می‌شود. بر مبنای اینکه محتوا به کدام شاخصه‌ها نزدیک‌تر است زاویه دید و اولویت هر شاعر مشخص می‌شود. در تحقیق حاضر صرفاً آثار نظم دو شاعر بررسی شده است. نمونه‌گیری هدفمند از بین اشعاری صورت گرفته که محتوایشان در مضمون پایداری می‌گنجد.

۴. چارچوب نظری بحث

لنگرودی و جمال به نقل از شاکر السیاب^۱ معتقدند: «شعر دارای هدف اجتماعی است؛ هنرمند شاعر نسبت به جامعه و مردم مسئولیت بزرگی به عهده دارد و باید به نحو احسن عمل کرده و دردها و آرزوهای مردم جامعه‌اش را بیان کند». (لنگرودی و جمال، ۱۴۰۱: ۱۱) از آنجاکه جوامع در عصر معاصر به صورت گسترده درگیر تجاوزات و استبدادهای داخلی و خارجی بوده‌اند؛ از این رو فرهنگ مقاومت جزئی از فرهنگ ملل شده است و این فرهنگ به وسیله هنر به ویژه شعر در جوامع احیا و متبلور می‌شود. در ادامه بعد از معرفی دو شاعر

۱. شاعر نوگرای عرب.

به بیان مفاهیم فرهنگ مقاومت، ادبیات مقاومت، سیر ادبیات مقاومت در دوره معاصر، جایگاه شعر و شعر پایداری از منظر قرآن پرداخته می‌شود، تا ویژگی‌های شعر مقاومت استخراج شده و بر همین مبنا اشعار دو شاعر بررسی شود.

زندگینامه بولس سلامه

بولس یوسف سلامه در سال ۱۹۰۲م در نزدیکی جزین در لبنان در خانواده‌ای مسیحی متولد شد. معروف است که پدر و مادرش تیزهوش بودند. بولس در دوران کودکی زبان فرانسوی را نیز آموخت. دوران کودکی‌اش مصادف شد با جنگ جهانی اول و تعطیلی مدارس و سپس تبدیل شدن بسیاری از مدارس به پایگاه‌های نظامی. به هر ترتیب بعد از اتمام دوران مدرسه به شغل معلمی پرداخت. در همین دوران به تحصیل و کسب تجربه در امر وکالت و قضاوت پرداخت تا در سال ۱۹۲۹ میلادی به عنوان قاضی صلح منصوب شد. به مرور در کسوت بازپرسی و ریاست دادگاه نیز ظاهر شد و کم‌کم قاضی درجه اول بیروت لقب گرفت. او در حدود سال ۱۹۳۶م بیمار شد و از آن زمان تا پایان عمر خود ۴۰ سال درگیر بیماری و جراحی و عوارض ناشی از بیماری بود. (زرقانی، ۱۳۸۸: ۳۷-۲۷) با شروع هجوم بیماری‌ها که بدنش رو به ضعف نهاد او کتابی با عنوان مذاکرات جریح را نوشت. در این کتاب خود را ایوب قرن بیستم لقب داد. (السید، ۲۰۰۴: ۱۳) در نهایت سلامه در سال ۱۹۷۹م از دنیا رفت و در روستای خود به خاک سپرده شد. (کحاله، ۱۹۸۵: ۱۵۵) آثار منظوم بولس شش اثر و آثار منشور او حدود ده اثر است. قصیده‌ی علی و الحسین، فلسطین و أخوات، الأمير بشیر، ملحمة عید الغدير، ملحمة عیدالریاض، عیدالستین آثار منظوم او هستند. حدیث العشیة، مذکرات جریح، الصراخ فی الوجود، حکایة عمر، خبز و ملح، مع المسیح، من شرفتی، تحت السندیانة، لیالی الفندق و فی ذلک الزمان نیز آثار منشور سلامه هستند.

زندگینامه مطلق عبدالخالق

مطلق عبدالخالق در سال ۱۹۱۰م در شهر ناصره فلسطین متولد شد. او از نه سالگی شعر سرودن را آغاز کرده بود، بعد از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، به دانشکده «المعارف» در قدس رفته

و به تحصیلاتش ادامه داد. (السوافیری، ۱۹۶۴: ۱۴۷). در همان سنین جوانی به نوشتن مقالات پرداخت و سپس سردبیر روزنامه «یرموک» شد. او به صورت مستمر فعال سیاسی - اجتماعی و قلم پرداز و دغدغه مند فلسطین بود. عبدالخالق عمر کوتاهی داشت و هنگام عبور از ریل راه آهن در سال ۱۹۳۷م تصادف کرد و کشته شد. (شراب، ۲۰۰۶: ۴۱۱) از او دو مجموعه شعر با نام دیوان «ضجعه الموت» و «خاطر و آلام» به جا مانده است. (بهنام، ۱۳۹۶: ۲۹) عبدالخالق در زمان خویش تافته ای جدا بافته به شمار می آمد. او یگانه شاعر رومانتیک قبل از ظهور فدوی طوقان و متأثر از شاعران آمریکای شمالی بود. تفکراتی صوفیانه داشت و به عنوان اولین پیشگام مکتب رومانتیک در فلسطین تلقی می شود. (ابویسانی، ۱۳۹۲: ۲۳) در اشعارش نسبت به هم عصرانش تفاوت ها و حساسیت های شعری بیشتری به چشم می خورد. او شاعری رومانتیسم بود که تحت پرچم وطن می سرود؛ لذا از او در جایگاه شاعری پیشگام در جهان عرب در دوره معاصر یاد می شود (بهنام، ۱۳۹۶: ۳۰ و ۳۲). مرگ زود هنگام عبدالخالق باعث شد تا رمانتیسم دیگر در بین هم عصرانش تا چند دهه دیده نشود.

فرهنگ مقاومت

«فرهنگ» واژه ای فارسی است و در فرهنگ معین درباره اش آمده است: «مجموعه آداب و رسوم و علوم و معارف و هنرهای یک قوم، علم و دانش و ادب، تعلیم و تربیت را فرهنگ نامند». (صابری، ۱۴۰۱: ۷) کلمه «مقاومت» واژه ای عربی، از ریشه سه حرفی «قام» و مصدر باب مفاعله است. معنای غالب این کلمه پایداری و روبه رو شدن با پدیده ای است که توازن اجتماع را بر هم می زند. (فرمی باف و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۱) در اهمیت فرهنگ مقاومت همین بس که امروزه یکی از نمادهای دین اسلام و جوامع اسلام «فرهنگ مقاومت و پایداری» است که در طول تاریخ، مسلمانان بر مبنای آن در برابر باطل پیروز شده اند. (صابری، ۱۴۰۱: ۸) معادل واژگانی مقاومت در قرآن صبر و استقامت است. (همان: ۵۷) از بزرگ ترین دستاوردهای فرهنگ مقاومت و پایداری در جوامع می توان به غلبه بر دشمنان، آرامش و از بین رفتن غم و ترس، وعده پاداش بهشت اشاره کرد و به طور خلاصه دستاورد اصلی فرهنگ مقاومت در یک جامعه تضمین امنیت داخلی و خارجی است. (همان: ۱۰-۴)

فرهنگ مقاومت از منظر قرآن و نهج البلاغه

شاخص‌های فرهنگ مقاومت در نهج البلاغه چنین معرفی شده است: «حق محوری، مبارزه با ظلم، عدالت خواهی. (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۵۲) آیات زیادی با موضوع فرهنگ مقاومت و عنصر پایداری مرتبط است، خداوند بسیار فرموده است که بالاترین پاداش‌ها برای کسانی است که در مسیر حق پایداری می‌کنند و مانع نفوذ بی‌عدالتی و ظلم در جامعه می‌شوند. (فرمی باف و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۱) همچنین ضرورت احیا فرهنگ مقاومت از نظر قرآن چنین برشمرده شده است: «آزمایش مؤمنان، دفع فتنه، جلوگیری از تسلط ظالم، عزتمندی دین، انفعال دشمن، تحقق عدالت». (همان: ۱۹۳-۱۷۳) همچنین قرآن متذکر می‌شود که اگر فرهنگ مقاومت در جامعه کمرنگ شود، انسان خاصیت وجودی و هویت اصلی خود را از دست داده و به موجودی منفعل تبدیل می‌شود و انفعال را با حقارت برابر می‌داند. (همان: ۱۹۶)

قرآن و شعر مقاومت

شایان ذکر است که دو لفظ «شعر» و «شاعر» شش بار در قرآن آمده است. در پنج نوبت در جایگاهی است که کافران سعی دارند اتهاماتی باطل به پیامبر نسبت بدهند، مانند شاعر بودن. در این آیات قرآن به نفی تصور آنها پرداخته است بدون اینکه در مقابل شعر موضعی ایجابی یا سلبی اتخاذ کند. این پنج نوبت عبارت‌اند از آیه ۵ از سوره انبیا، آیه ۶۹ از سوره یس، آیه ۲۹ از سوره طور، آیه ۳۶ و ۳۷ از سوره صافات، آیات ۴۲-۳۹ از سوره حاقه. همچنین یک بار نیز قرآن موضع خود را در برابر شعر به عنوان یک هنر بیان می‌کند.^۱ در آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷ از سوره شعراء صحبت عده‌ای از شاعران است که در مکه به هجو پیامبر (ص) می‌پرداختند و هدف تقبیح خداوند قرار گرفتند و هم‌زمان برخی از این حکم مستثنا شده‌اند. شاعران مؤمن و صالحی که فراوان ذکر خدا می‌گویند و اگر شعری می‌سرایند همه توحید و ثنای حضرت حق است و زهد، حکمت و مدح پیامبر. این آیات به عبارتی دیدگاه قرآن را درباره شعر مقاومت بیان می‌کند. شاعر مقاومت کسی است که اهل ایمان و عمل صالح است و چون

۱. آیات ۲۲۷-۲۲۴ از سوره شعراء.

مورد ظلم و تعدی ظالمان قرار می‌گیرد زبان به سخن می‌گشاید و از دین خدا دفاع می‌کند. ادب و هنر او متعهد است بدون تجاوز از مسیر حق. (رضوان، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۴) به‌طورکلی از آیات قرآن چنین می‌توان برداشت کرد که هنر، شعر و ادب از منظر قرآن تنها زمانی که متعهد باشد، ارزشمند و قابل اعتنا است. (همان: ۱۶۶)

ادبیات پایداری (مقاومت)

ایستادگی بر برابر ظلم و ستمگری‌ها، در تاریخ تمام ملل و جوامع دیده می‌شود. وقتی یک ملت یا جامعه به مبارزه با عوامل استبداد داخلی یا خارجی برمی‌خیزد از سروده‌ها و متونی بهره می‌گیرد که موضوع اصلی شان دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران است. این نوع متون را ادبیات پایداری یا همان ادبیات مقاومت می‌نامند. (شرفی، بی‌تا: ۱۲) در دوران معاصر ادبیات مقاومت در کشورهای خاور میانه، آمریکای لاتین، آسیای میانه، ایرلند و بوسنی نمود بیشتری داشته است که مشخصاً همگی دلایلی سیاسی و تاریخی دارند. برخی معتقدند ادبیات پایداری (مقاومت) منفعل و مقطعی است و معلول شرایط روزگار. لیکن این دیدگاه درست نیست. ادبیات پایداری در هیچ دوره‌ای از تاریخ یک ملت کم‌رنگ نمی‌شود و همواره در بیان ادیبان و نویسندگان آن ملت بروز و ظهور دارد. ممکن است بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم صورت‌های بروز خود را تغییر دهد و گاهی به صورت تهاجمی و گاهی در قالب تمثیل و... بروز پیدا کند، لیکن همواره هویت خود را حفظ می‌کند. درد و رنج‌های جامعه، مرگ را در برابر حیات و آزادی را در برابر اسارت مطرح می‌کند. (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۵)

مهم‌ترین جلوه‌ها و خصوصیات ادبیات مقاومت از منظر مجیدی عبارت‌اند از: صحبت و ابراز دغدغه کردن در مورد گروه، مردم و هویت؛ هوشیاری و اعتقاد به الزام گذر از فشارهای داخلی و خارجی؛ رشادت و شجاعت در جنگ و در برابر ظلم؛ هوشیاری نسبت به دشمن و افشاگری از اهداف و خطراتش. (مجیدی، ۱۳۹۱: ۴۱۴) سلیمانی در پژوهشی که انجام داده شاخص‌های ادبیات پایداری را چنین شرح داده است: «ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم مردم؛ دعوت به مبارزه و بیان جنایات؛ توصیف و ستایش جان‌باختگان و تکریم شهیدان؛ ستایش ملیت و

آزادی و آزادگی؛ القای امید به آینده و پیروزی؛ طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی. لذا می‌توان ادبیات پایداری را دارای ویژگی‌هایی مثل تعهد، حق محوری، افشاگری، جسارت، امید پویایی، تعریف و تمجید از ملت و داشته‌های ملی دانست». (سلیمانی پای طاق، ۱۳۹۵: ۴۹)

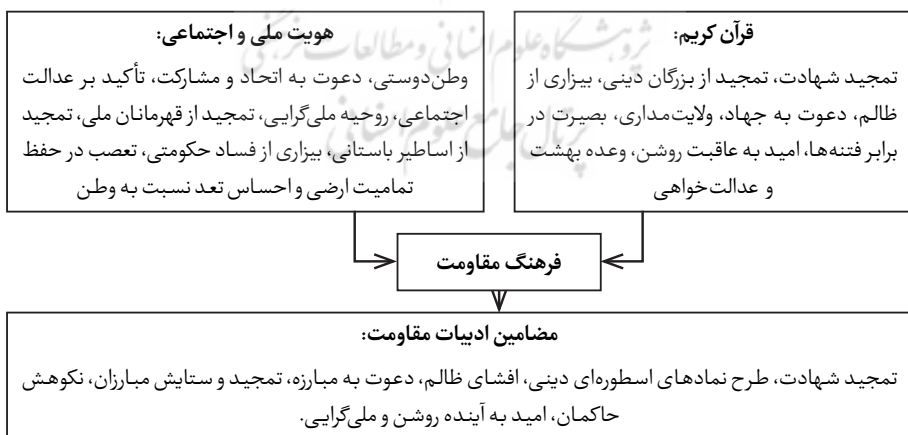
بررسی سیر ادبیات مقاومت در لبنان و فلسطین در عصر معاصر

پدیده ادبیات مقاومت در جهان عرب در دوران معاصر به دلایل مختلفی انگیزه بروز داشته است. دلایلی مانند قیام کشورهای عربی برای دفع سلطه عثمانی، انگلیس، فرانسه و ایتالیا. قیام مردم مصر به رهبری پاشا، حرکت جمال عبدالناصر در جنگ اعراب و اسرائیل، قیام مردم عراق برای رهایی از استعمار انگلیس، اشغال فلسطین و قیام مستمر مردم فلسطین برای رهایی از اشغال صهیونیسم و... (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

به طور جزئی‌تر می‌توان ادبیات مقاومت فلسطین را در چند دوره برشمرد: دوره اول بعد از عهدنامه بالفور در ۱۹۱۷م. این دوره پیشگام در ادب مقاومت فلسطین است و نام بزرگ محمد اسعاف النشاشیبی، همچنین توفیق فیاض جزو نسل اول ادبیات مقاومت معاصر فلسطین هستند. بین سال‌های ۱۹۱۴م تا ۱۹۱۸م که امپراتوری عثمانی در پی مبارزه با متفقین، با آلمان و مجارستان و اتریش متحد شد؛ هم‌زمان صهیونیست‌ها این درگیری‌ها را غنیمت شمردند. (السوافیری، ۱۹۶۴: ۶۲) دوره دوم بعد از ۱۹۲۱م است. در این دوره به دنبال شکست انقلاب‌های فلسطینی، روحیه ناامیدی بر اشعار ادیبان سایه افکند. ابومسلمی و هارون هاشم الرشید جزو نسل دوم ادبیات مقاومت معاصر فلسطین هستند. دوره سوم، دوره فریاد است و مربوط به حوادث دردناک بعد از اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها است. در این دوره صداهای بلندی در شعر وجود دارد و به ادبیات و شعر مقاومت حیاتی دوباره بخشیده می‌شود. مطلق عبدالخالق، محمود درویش، خالد سعید و... جزو نسل سوم ادبیات مقاومت معاصر فلسطین هستند. این دوره خود شامل دو بخش است: تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم شاعران تحت تأثیر مکتب رومانتیسم بودند. اما بعد از دهه پنجاه به خصوص بعد از سال ۱۹۴۸ شعر مقاومت فلسطین تحولی دوباره پیدا کرد. ادبیات مقاومت بر مبنای نیاز اجتماعی-سیاسی خود به دنبال خلق قهرمان گشت. لذا این

دوره شاعران مقاومت در تصویرآفرینی‌های شعری خود از نشانه‌های اسطوره‌ای الهام گرفتند. (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۵۴) ادبیات معاصر در لبنان به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره اول از این شاخه به آن شاخه پریدن و تقلید از قوانین دوران کلاسیک است. دوره دوم دوران بومی‌سازی است. دوره سوم تجلی پختگی، ابداع، خلاقیت و آزادی هنری است. نکته قابل توجه در ادبیات مقاومت لبنان این است که اغلب هنرمندان لبنانی در دو یا سه عرصه قلم زده‌اند و کمتر شاعری را در لبنان می‌توان یافت که در آثارش، ردی از جنگ، مبارزه با استعمار و ظلم‌ستیزی نباشد. سنگری برخی زمینه‌های پیدایش و احیای ادب پایداری را -که شامل فلسطین و لبنان نیز می‌شود- چنین برمی‌شمرد: اختناق داخلی، تجاوز خارجی، غصب قدرت و سرمایه‌های ملی و فردی و به عبارتی زیاد شدن بی‌عدالتی، قانون‌گریزی و به عبارتی رانت خواری، تجاوز به حریم ارزش‌های فردی، دینی، اجتماعی، ملی و تاریخی، ظهور جریان‌های دینی و فکری جدید مثل مارکسیسم و نظایر آن. (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۹)

برآیند بررسی اطلاعات منابع کتابخانه‌ای مختلف در خصوص مؤلفه‌های مقاومت در ادبیات معاصر، فرهنگ ملی و فرهنگ قرآنی، هشت مضمون اصلی و فراگیر استخراج شد که در (شکل ۱) نمایش داده شده است.



(شکل ۱): مضامین اصلی ادبیات پایداری (منبع نگارنده).

۵. تحلیل یافته‌ها

بررسی شاخصه‌های فرهنگ مقاومت در اشعار بولس سلامه و مطلق عبدالخالق

«در شعر معاصر عرب از امام حسین و قیام سیدالشهدا به عنوان نماد مقاومت استفاده می‌شود». (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۱). ملحمه عیدالغدیر از ملاحم مشهوری است که جایگاه مهمی در ادب عربی دارد. در این کتاب، بیش از ۳۵۰ صفحه و ۱۸۰۰ بیت مرتبط با امام حسین و حادثه کربلا دارد. در بخش‌های مربوط به حضرت علی (ع) به عنوان الگوی مقاومت در برابر ظلم یهود، چندین سروده است؛ مانند ابیاتی درباره جنگ خیبر. نبردی که حضرت در جنگ خیبر در برابر قوم لجباز و حيله‌گر یهود داشت و توأم با مقاومت و استقامت دلیرانه‌ای بود که با به وجود آمدن موقعیت‌های حساس و تلفات بسیار و بی‌نتیجه ماندن نبردهای پیشین، صحنه‌ای را در قلوب محبین حضرت و در دل تاریخ ثبت کرد. در ادامه ابیاتی می‌آید که اشاره دارد به مؤذگانی پیامبر به حضرت علی به دلیل مقاومت و قدرت بدنی‌اش در مبارزه با یهودیان:

«... و يقول النبی: بشراک فاهناً / سید العرب لا یضیرک هاجم / و أنا سید الأنام فوق الـ / انس والجن والنبی الخاتم / قاتل الکافرین حتی تفرال / دین والله بعد ذلك عاصم / و مشی کاشف الکروب و ثوب الـ / لیث یجری وراء خیط النعائم / رکز الراية المجيدة دون الـ / حصن یختال نسحها فی المکارم /...». (بولس، ۲۰۰۴: ۸۰) ترجمه: پیامبر فرمود هیچ مهاجمی توان آسیب به حضرت علی را ندارد. حضرت علی برطرف‌کننده مشکلات است از جمله مشکلات بزرگی مثل یهود که بر سر راه مسلمین بودند. او مانند شیر گرانی است که سبک‌بال چون پاهای شتر مرغ به سوی دشمن بزرگ دین شتافت و شکست بزرگی را نصیب یهودیان کرد و درحالی‌که از شدت خشم از خود بی‌خود شده بودند شکستی خوردند که سر از پا نمی‌شناختند. درحالی‌که یهودیان به دژها و قلعه‌های بزرگ خود پناهنده شده بودند و خود را قدرت برتر می‌دیدند. ترجمه این قصیده در حقیقت اشاره مستقیم به آیه ۳۹ از سوره انفال دارد. در جای دیگری نیز مجدد اشاره به آیات قرآن دارد و حضرت علی را به قدرت داوود تشبیه می‌کند. سلامه تمجید از حضرت علی و افشای ظالم را در این ابیات در نظر دارد.

ویژگی بارز یهودیان که همواره بررسی شده، دین‌ستیزی و گستاخی‌شان است. گویی از همان دوران با دسیسه‌های شیطانی خود قصد براندازی حکومت پیامبر را داشتند. سلامه نیز با اشارات مکرر به یهودیان دوران پیامبر در اشعارش، مقصودش افشاگری از صهیون‌های اشغالگر در زمان حال است و معتقد است که اکنون نیز صهیون‌های زمان ما همان یهودیانی هستند که با حيله‌های خود پیامبر را بیش از هر قوم دیگری اذیت کردند و تاکنون بغض و کینه شکست در جنگ خیبر را در دل خود نگه داشته‌اند و نسبت به امام علی (ع) دشمنی فراوانی دارند. آن یهودیان با افترا و نسبت‌های ناروا به پروردگار به تقابل با دین برخاستند. این خصوصیات شیطانی در قوم یهود مبارزه‌ای با اخلاق سیاسی را می‌طلبد.

«.../ هُمُهُ (حُر) أَنْ يَصُدَّ رَكْبُ حَسَنِ / عَنْ تُغُورٍ يَلْقَى بِهَا أَنْصَارًا / عَطَشَ الْخَصْمِ فِي الطَّرِيقِ فَقَالُوا / يَا ابْنَ بِنْتِ الرَّسُولِ حَيَّتْ جَارًا / أَنْ تَغْنَا بِشَرِبِهِ الْأَرَّ / مَا قَ فِينَا، فَلَا نَمُوتُ أَوْارًا / ...» (غربی، ۱۳۹۳: ۵۰) ترجمه: قصد حُر این بود که کاروان امام را از رفتن به سمت شهرهایی که در آنجا یارانی برای خود بیابد، بازدارد. در راه تشنه شدند، پس گفتند: ای پسرِ دختر پیامبر، امان‌دهنده و پاینده باشی. اگر جرعه آبی به ما بنوشانی، جان دوباره به ما داده، ما را از مرگ رهایی بخشیده‌ای. سلامه تمجید از اخلاق الگوی مقاومت دوران دارد. همچنین در ابیات بعدی:

«.../ ذَكَرَكَ الْمُفْجِعَ الْإِلِيمُ سَبْعْدُو / فِي الْبَرَايَا مِثْلَ الضِّيَاءِ أَشْتَهَارًا / فَيَكُونُ الْهُدَى لِمَنْ رَامَ هَدْيًا / وَفِيخَارًا لِمَنْ يَرُومُ الْفِيخَارًا / كُلَّمَا يُدَكِّرُ الْحُسَيْنُ شَهِيدًا / مُوَكَّبُ الدَّهْرِ يُنَبِّئُ الْأَحْزَارًا / فَيَجِيءُ الْأَحْزَارُ فِي الْكَوْنِ بَعْدِي / حَيْثُمَا سِرْتُ يَلِثُمُونَ الْغُبَارًا / سَمِعْتُ زَيْنَبَ مُقَالَ حُسَيْنٍ / فَأَحَسْتُ فِي مُقْلَتَيْهَا الدَّوَارًا / ...» (همان: ۵۵۴ و ۵۵۵) ترجمه: یادآوری دردناک مصیبت تو همچون نور در میان مردمان خواهد درخشید. یاد و نامت چراغ هدایت آنان است که به دنبال هدایت‌اند و مایه فخر و عزت کسانی است که خواستار بزرگی‌اند. هرگاه نام سالار شهیدان به میان می‌آید، آزادگان را به جنبش و حرکت و قیام درمی‌آورد. بعد از من، آزادگان جهان به راه من درآیند و خاک راه مرا توتیای چشم کنند. زینب این سخنان امام را شنید، پس احساس کرد که دنیا در برابر دیدگانش تیره و تار شده است و...»

«... و تولى الخيالة القائد (السعدى) / (والشمز) قائد للمشاة / جاءك الشري يا حسين تجلّد / لنزاع الحناجر الظائمات / لا سبيل للماء فالشمز يأبى / عن يذوق الحسين ما الفرات / باقه الزهر / من الرياض قريش / نسوة كالزنايق الظاهرات / تحرّم الماء و الفرات مُشاع / للباغيا، للوحش، للحشرات / وقف الظامى الحسين و نادى / يا جنود العراق عُوا كلماتي / ...» (همان: ۶۳ و ۶۴) ترجمه: عمر بن سعد فرمانده سواران و شمر فرمانده پیاده نظام شد. ای حسین، شرو بدی به تو وارد شده شکیبایی کن، حنجره‌های تشنه را از آب محروم کردند. شمر راه آب بر حسین بست و هیچ راهی برای رسیدن به آب نیست. فقط آن بدکاران و حیوانات وحشی می‌توانند از آب استفاده کنند و آب را بر حسین بن علی و یارانش ممنوع کنند. حسین (ع) تشنه لب ایستاد و ندا درداد: ای سربازان عراقی به سخنانم گوش کنید و هوشیار باشید. آیا پیامبر، جد من و مادرم بهترین دختران و پاک‌دامن‌ترین همسران نیست؟ ...

در جای دیگری درباره رشادت و شهادت حضرت علی اکبر چنین می‌گوید:

«عَصَفَتْ نِخْوَةُ الثُّبُوءِ فِي صَدِّ / رِغْضِيضٍ فَأَلْهَيْتُهُ التَّهَابَا / جَلَجَلَتْ نَفْسُ حَيْدَرَ فِي حَفِيدِ / أَلْبَسَتْهُ شُقْرُ الْوُرُودِ أَهَابَا / أَشْبَهَ النَّاسِ بِالرَّسُولِ فَمَنْ يَنْ- / طُرَ عَلِيًّا يَطْنُ أَحْمَدُ أَبَا / حَلٍّ فِي صَهْوِهِ الْجَوَادِ وَ نَادَى / مَنْ يَفْدِيكَ يَا ابْنِي لَنْ يُهَابَا / يَوْمَ سَمَّيْتَنِي عَلِيًّا حَسِبْتَ الطَّ / طِفْلَ يَنْمُو كَجَدِّهِ غَلَابَا / قَالَ وَ اسْتَقْبَلَ الصُّفُوفَ هُمَامًا / كَعَلِيٍّ يَمْرُقُ الْأَحْزَابَا / ...» (همان: ۸۳ و ۸۴) ترجمه: غیرت و جوانمردی پیامبر در سینه جوانی - حضرت علی اکبر - وزید و آن را شعله‌ور کرد. جان و روح علی (ع) در نوه‌اش تجلی یافت و بر او پوستی نازک همچون پوست گل‌ها پوشاند (اشاره به سن کم و جوان بودن حضرت علی اکبر). حضرت علی اکبر شبیه‌ترین به پیامبر بود و هرکس به او نگاه می‌کرد گمان می‌کرد جدش احمد بازگشته است. علی اکبر سوار بر اسب شد و فریاد زد: ای پدر، هر کس بخواهد فدایی تو شود هرگز نخواهد ترسید. روزی که مرا علی نام نهادی می‌خواستی کودکت همانند جدش علی، توانا و چیره‌دست رشد کند. علی اکبر این را گفت و سپس دلیرانه به استقبال سپاه دشمن رفت و همانند علی (ع) سپاهیان دشمن را درنوردید... تمجید از بزرگان دینی اساس شعر مقاومت سلامه است.

در جایی دیگر از جانبازی حضرت عباس (ع) در میدان چنین می‌گوید:

«... / و یقولُ العباسُ لِلسَّيِّطِ هَيَّا / نَزَلَ الْمَاءُ لَنْ نَمُوتَ ظَمَاءَ / هَمَّ أَنْ يَنْزَلَ الْفَرَاتُ فَنَادَى / دَارِمِيَّ
يا وَيْحَكُمُ جُبْنَائِ / اَمْنَعُوهُ الْمِيَاءَ يَهْلِكُ فَإِنَّ الرِّ / رَمَلَ يَشْتَأُقُ فِي الْهَجِيرِ شَوَاءَ / يَا إِلَهِي أَظْمِئْتُهُ
قال حسينُ / وليدُ فائِرِ الجحيمِ جزاءَ / وأصابَ الحديدُ وجهَ حسينَ / فأصابَ التَّفَاحَةَ
الرَّهْزَاءَ / ...» (همان: ۹۱ و ۹۲) ترجمه: عباس (ع) به امام حسین گفت: بیا تا به سوی شریعه
فرات رویم تا از تشنگی نمیریم. او تلاش کرد تا به فرات درآید پس دارم خطاب به سربازانش
فریاد زد: ای ترسوها، وای بر شما. گفتند آب را از او دریغ کنید تا هلاک شود همان طور که
شن و ماسه در اوج گرما ذوب می‌شود. حسین (ع) فرمود: بارالها او را - دارمی - تشنه بمیران و
آتش جوشان جهنم را نصیب او گردان. آهن با صورت میوه زهرآلود حسین برخورد کرد... بیزاری و
افشای ظالم و تمجید از الگوی مقاومت در این ابیات و ایات بعدی دیده می‌شود.

در جایی دیگر درباره مجلس ابن زیاد و حضور حضرت زینب و امام سجاد (ع) چنین می‌گوید:

«... / و رأى فَضْلَهُ الْمُنُونِ (عليّاً) / يتهاوى مِنْ عِلَّةٍ وَ سُهَادٍ / هَالَهُ أَنْ يَرَى مِنَ الْبَازِ فَرْخاً / لَمْ
تَنْلُهُ حِبَالَةَ الصَّيَّادِ / بَشَّرُوهُ بِخَصْدِ أَهْلِ حُسَيْنٍ / عَجَباً أَيْنَ كَانَ يَوْمَ الْحِصَادِ / أَقْتُلُوهُ قَالَ الْوَلِيُّ
فَهَبَّتْ / زَيْنَبُ هَبَّةَ الْهَيَّوْرِ الْعَادِي / صَرَخَتْ كَالْبُؤْسَةِ السَّمْعَةِ التَّزَارِ / مجروحاً بدونِ ضِمَادِ /
...» (همان: ۱۱۳ و ۱۱۴) ترجمه: زینب را دید درحالی که لباسی کهنه که دشمن را شاد می‌کرد
بر تن داشت و بخشنده روزگار، حسین بن علی را درحالی که از شدت خستگی و بیماری و
بی‌خوابی در حال افتادن بود را دید. ترسید از اینکه از آن باز شکاری جوجه‌ای را ببیند که در
دام صیاد گرفتار نشده باشد. او را به کشتن خاندان حسین بشارت دادند و شگفتا کجا آن روز
«یوم الحصاد» بود. ابن زیاد گفت: علی بن حسین را بکشید و زینب مانند شیر جگوار از
جا برخاست. زینب فریاد زد مانند ماده شیر غران و زخمی که زخمش بهبود نیافته است...»

یا در بخش‌های دیگر در وصف حضرت علی چنین می‌گوید:

«باسمِ لَيْثِ الْحِجَازِ نَسْرِ الْبَوَادِي / خَيْرَ مَنْ هَزَّ فِي الْوَعْيِ سَمَهْرِيّاً / ...» (السید، ۲۰۰۴: ۲۳)
ترجمه: به نام شیر سرزمین حجاز و عقاب دره‌ها و بهترین کرسی که در میدان مبارزه
شمشیرش را به اهتزاز درآورد.

«أَنَا مَنْ يَعِشُ الْبُطُولَةَ وَالْأَلْهَامَ وَالْعَدْلَ وَالْخَلَاقَ الرَّضِيًّا...» (السید، ۲۰۰۴: ۲۹) ترجمه: من عاشق پهلوانی و الهام و عدالت و اخلاق پسندیده (حضرت علی) هستم.

«خَيْرُ مَنْ جَلَّلَ الْمَيَادِينَ غَارًا / وَانْطَوَى زَاهِدًا وَمَاتَ أَيْيَا...» (السید، ۲۰۰۴: ۲۳) ترجمه: او بهترین فردی است که میدان مبارزه را باشکوه کرد و زاهدانه دست کشید بی آنکه تن به ذلت بدهد و از دنیا رفت.

«و امیر الزهاد قبلاً و بعداً / حسبهُ فی الطعامِ قرصُ الشَّعِيرِ...» (السید، ۲۰۰۴: ۳۳) ترجمه: امیر تمام زاهدان قبل و بعد از خودش که به قرص نانی قناعت می کرد.

در ادامه اشعار منتخبی از عبدالخالق بررسی می شود:

«.../ يَقُولُونَ عَنِّي فَتَيُّ بَائِسٍ / يُصَوِّرُ الشَّعْرَ لَهُ مَا اسْتَتَرَ / فَيَرْنُو إِلَيْهِ زُتُو الْحَزِينِ / وَيَرْتَدُّ عَنْهُ كَلِيلُ الْبَصَرِ / فَيَسْخَطُ فِي نَفْسِهِ صَاحِبَا / عَلَى النَّاسِ يَرْمِي شَوَاطِلَ الشَّرِّ / وَ مَا أَنَا يَا قَوْمَ بِالْبَائِسِ / الشَّقِيُّ بَلِ السَّاحِرِ الْمُحْتَقِرِ / وَ مَاذَا تَرَاهَا تَكُونُ الْحَيَاةُ / لِأَغْدُو بِهَا بَائِسًا مُنْكَسِرًا...» (www.poetsgate.com) ترجمه: درباره ام می گویند که او جوانی بیچاره است و شعر آنچه را که نهان است برایش آشکار می کند. اندوهگین به او نگاه می کند، اما چشمانش کم سو و ناتوان برمی گردد. در جان و نفس خود خشمگین می شود، درحالی که بر مردم خشم می ورزد و تیرهای شرارت را به سوی آنها می افکند. ای قوم، من جوان بدبختی نیستم، بلکه تمسخرکننده دنیا هستم. زندگی چیست که به خاطرش شکست خورده و بیچاره باشم....

در این شعر زندگی در نظر شاعر کوچک و حقیرتر از آن است که به خاطرش ناراحت باشد. او با نگاهی فیلسوفانه به تحقیر دنیا می پردازد. می توان در این ابیات مرگ مثبت تلقی شده و شاعر برای فرار از رنج های جهان بی عدالتی های موجود در جهان و بر مردمانش به مرگ پناه می برد. ارزشمند دانستن مرگ در راه حق و عدالت از محتوای این ابیات استخراج می شود. یعنی مضمون تمجید شهادت.

«.../ اللَّذَاتُ هَذِهِ مِنْ هَبَاءٍ وَ سَتَعْفَى آثَارَهَا الْأَتْرَاحُ / وَ سَتَغْفُرُونَ فِي الْقَرِيبِ ضَحَايَاهَا وَ يَتَلَوُ تُوجَعُ وَ نَوَاحُ / قَدْ هَدَمْتُمْ مُعَاقِلًا وَ حَصُونًا وَ انْتَحْتُمْ لِلْخَصْمِ مَا لَا يَتَاحُ / خَلَقَ بَائِدًا وَ جَهْلٌ عَتِيدٌ

وَبِلَاذٍ تَعَبْتُ فِيهَا الرِّيحُ / ...». (الجنیدی، ۲۰۰۹: ۹) ترجمه: لذت‌ها ذرات غباری هستند که غم و اندوه آثارشان را پاک خواهد کرد و به زودی قربانیانش می‌شوید و به دنبال آن درد، ناله و اندوه می‌آید/ سنگرها و دژهایمان را ویران کردید، فراهم کردید برای دشمن چیزی را که فراهم نمی‌شد، خلق و خوی کهنه و نادانی و جهل زیاد و سرزمینی که در آن بادهای می‌وزند. افشای ظالم از محتوا برداشت می‌شود.

در چندین قسمت از اشعارش از عشق به وطن و ملی‌گرایی می‌گوید:

«... / دَمَعْتُ حَزْرَى عَلَى وَطَنِ / حَظْبُهُ وَاللَّهِ أَلْمَنِي / كُلَّمَا حَاوَلْتُ أَنْدُبَهُ / خَانَنِي دَمْعِي فَلَمْ يُعِنِ / تَنْضَبُ الْعَيْنُ إِذَا غَشِيَتْ / هَا قَطُوبُ الْحُزْنِ وَالشَّجَنِ / وَيَجِفُّ الدَّمْعُ فِي الْمُقِيلِ / مِثْلَ مَاءِ الْمُزْنِ فِي الْقَنْنِ / فَكَأَنَّ الْعَيْنَ مَا وَجَدَتْ / وَكَأَنَّ الدَّمْعَ لَمْ يَكُنْ / وَطَنِي وَاللَّهِ أَعْبَدُهُ / وَأَفْدِيهِ مَدَى الزَّمَنِ / بِالَّذِي أَحْوَاهُ مِنْ أَلَمٍ / وَالَّذِي أَلْفَاهُ مِنْ مَحَنٍ / بِفَوَادِي بِالْحِشَا بَدَمِي / بِأَمَانِي بِلَا تَمْنُ / ...». (www.poetsgate.com) ترجمه: بر وطنم اشک سوزان می‌ریزم و حوادث ناگوارش به خدا سوگند که مرا به درد می‌آورد، هر زمان که تلاش می‌کنم برای او مویه کنم اشکم به من خیانت کرد و مرا یاری نکرد. هنگامی که پرده از غم و اندوه چشم را بپوشاند به گودی می‌افتد. اشک همچون باران سیل‌آسا بر روی قله‌ها در چشم خشک می‌شود، گویی چشمی نبود و گویی اشکی نباشد. وطنم، به خدا سوگند او را عبادت می‌کنم و در طول روزگاران خویش را فدای آن می‌کنم. با دردهایی که در بردارم و رنج‌هایی که می‌برم با دلی پر از خون و با آرزوهای بدون ارزش است....

از منظر عبدالخالق وطن مانند معبود ارزش پرستیدن دارد و حاضر است در راه وطن جان خود و هم‌وطنانش فدا شود. او پیوسته از حوادثی که در فلسطین رخ می‌دهد ابراز ناراحتی و خشم می‌کند. یا چندین بار فلسطین را شهید می‌نامد، چون شهید همیشه زنده است و نمی‌میرد. شهید پاک است و مقاوم.

«... / فِلَسْطِينُ الشَّهِيدَةُ لَنْ تَضِيْعَهَا / أَلَمْ تَصْغِ مَرَابِعَهَا نَجِيعًا / أَلَمْ يَسْقُطْ بِهَا قَتْلَى وَ جَرَحَى / أَلَمْ تَسْتَقْبِلِ الْخُطْبَ الْمُرُوعَا / دَعَتْ أَبْنَاءَهَا لِلْمَوْتِ جَمْعًا / فَلَبَّى الْجَمْعُ دَعْوَتَهَا سَرِيعًا /

وَبَدَّلْتَ الرُّبُوعَ بِهَا دِمَاءَ / وَبَدَّلْتَ الدَّمَاءَ بِهَا رُبُوعًا / وَاضْحَتْ كَيْفَمَا قَلْبْتُ طَرْفًا / تَرَى فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ صَرِيحًا /...» (www.poetsgate.com) ترجمه: فلسطین شهیدی است که نمی‌میرد. آیا منزلگاه‌های سودمندی برایش نساختی / آیا کشتگان و زخمی‌هایی در فلسطین بر زمین نیفتادند؟ / آیا فلسطین با حوادث تلخ روبه‌رو نشد / زمین‌های فلسطین تبدیل به خون‌ها شده و خون‌ها تبدیل به زمین / هر سمت چشم بچرخانی در هر ناحیه قربانی کشته شده‌ای بر زمین می‌بینی....

بعد از اشغال فلسطین به دست انگلیس و صهیون در سال ۱۹۱۶ میلادی به مرور اندوه و خشم در این سرزمین جایگزین شادی شد. متجاوزین، گلوگاه‌های صنعت و اقتصاد و حتی کشاورزی را در اختیار گرفتند و به مرور رکود اقتصادی شدید فشار مضاعفی بر مردم فلسطین تحمیل کرد. استقلال مردم را گرفتند. لذا به مرور مردم جنبش‌های وطن‌پرستانه مختلفی شکل می‌دادند مانند قیام عزالدین قسام که البته این اعتراضات با سرکوب انگلیس و صهیون مواجه می‌شد. عبدالخالق جزو شاعران پیشگام در حمایت از این اعتراضات و قیام‌ها بود. در ستایش شهدای قیام‌ها مانند قسام و انزجار از تروریست‌های یهودی قصاید مختلفی دارد که در ادامه به اختصار اشاره می‌شود:

«... / یا شهیدُ الدینِ والوطنِ / وعظیماً نازَ لم یَهنِ / أنتَ حیٌّ فی ضمائرنا / أنتَ لا تَفنی مَدی الزمنِ /...» (ابوشاور، ۲۰۰۳: ۱۳۴) ترجمه: ای شهید وطن و دین و بزرگی خوار نشد و قیام کرد / تو در ذهن ما زنده‌ای. تو با گذشت زمان نمی‌میری /...»

«... / نری فی الطائراتِ دُبَابُ خِصَمِ / یَطُنُّ... وَ فی مَدافِعِهِ شَمُوعًا / وَلَمْ تَحْفَلِ مِائَاتِ مِنْ ضَحایَا / بَلْ اتَّخَذْتُ ضَحایَاها درُوعًا / هِیَ الحَریَةُ الحَمراءُ تَسقِی / فَتَنسَبُ بِالدَّمِ الشَّرَفِ رَفِیعًا /...» (احمد صالح، ۲۰۱۲: ۷) ترجمه: در هواپیما، دشمن را مانند مگسی می‌بینیم که وزوز می‌کند و توپخانه‌هایی را مانند شمع می‌بینیم / به صدها قربانی توجهی نکرد و قربانیان را به عنوان زره در نظر گرفت / رهایی از آزادی خواهان نشئت می‌گیرد و به حرمت خون شرافت رفیعی پیدا می‌کند....

«... / شَبَابِ الْعَرَبِ بُورِكْتُمْ شَبَاباً / أَبَاهُ الضَّيْمَ فِي جُلَى غَضَابِ / وَبُورِكْتُمْ مِنَ الْأَسَادِ أَقْوَى / قُلُوباً فِي الْوَعَى وَاحِدٍ نَاباً / ...». (www.poetsgate.com) ترجمه: جوانان عرب خدا خیر دهد به شما که چه نیکو جوانانی هستید / ظلم ستیزانی خشمگین در اتفاقات سخت و بزرگ / شما یاری شدید از جانب شیران قوی دل در جنگ ... مضمون در این ابیات تمجید از مبارزان است.

«... / الدَّهْرُ يَا قَوْمَ الْعَبِيدِ / يَا ضَحَايَا الْجُوعِ وَالْمَوْتِ الزَّوَامِ / اسْتَعِدُّوا وَحَارِبُوا الْخَصْمَ الْعَنِيدَ / وَاشْعَلُوا فِي الْقَلْبِ نَارَ الْإِنْتِقَامِ / ...». (www.poetsgate.com) ترجمه: بیچارگان این روزگار، ای قوم بندگان و قربانیان گرسنگی و مرگ ناگهانی / آماده باشید و با دشمنان بجنگید و آتش انتقام را شعله ور کنید....

عبدالخالق مردم را به مبارزه و انتقام دعوت می‌کند و در چند مصرع بعدتر نوید آزادی را در پایان مبارزه می‌دهد. همچنان که در بخش بعدی از قهرمانی در غل و زنجیر صحبت می‌کند که با همه سختی‌ها هنوز اشتیاق و امید به آزادی دارد:

«... / أَوْ مَا رَأَيْتَ اللَّيْتَ / مَعْتَقِلًا يَحْنُ إِلَى عَرِينِهِ / أَنْظُرْ إِلَيْهِ وَقَدْ تَبَدَّى / النُّورُ يَسْطَعُ مِنْ جَبِينِهِ / وَأَنْظُرْ إِلَى دِمِهِ يَسِيلُ / مِنَ الْجِرَاحِ وَمَنْ عِيُونُهُ / حَيْرَانٌ لَا يَدْرِي / أَتُسْلِمُهُ الْجِرَاحَ إِلَى مَنْوَنِهِ / أَمْ تَسْتَبْدُّ بِهِ فِيحْيَا / فِي جَحِيمٍ مِنْ طُنُونِهِ / ...» (خالد علی، ۱۹۷۸: ۳۷). ترجمه: آیا شیر در غل و زنجیر را درحالی که شوق رسیدن به بیشه‌اش را دارد ندیده‌ای / به او درحالی که نوری از پیشانی‌اش ساطع شده نگاه کن و نگاه کن درحالی که از زخم و چشمانش خون می‌آید / او نمی‌داند که آیا این زخم‌ها او را می‌کشد تا می‌تواند بهبود یابد / در جهنمی از تصورات و گمان‌هایش زندگی می‌کند / ...»

عبدالخالق مبارز راه وطن را که زخمی استعمار انگلیس و صهیون است به شیری زخمی تشبیه می‌کند. در شعرش هم تمجید از مبارز است و هم امید به آزادی و هم حقیقت جویی و مقاومت در راه وطن و همچنین افشاگری از دشمنان کشورش. در ادامه دو نمونه ملموس‌تر با مضمون افشاگری علیه ظلم دشمن آمده است:

«.../ وَ الشَّقِیُّ الشَّقِیُّ مَنْ یَظْلِمُ / النَّاسَ فِیْشَقِی بِظُلْمِهِ الضُّعْفَاءُ / وَ السَّعِیدُ السَّعِیدُ مَنْ أَسْلَمَ
الرو / ح وَ فِی قَلْبِهِ یَشُعُ الضَّیَاءُ / وَالْأَلِی قَدْ قَضَوْا قُبَیْلَ لِبَالٍ / فِی سَبِیلِ الْاَوْطَانِ هُمْ سَعْدَاءُ
.../ (www.poetsgate.com) ترجمه: کسی که به مردم ستم می‌کند انسان بسیار بدبختی
است / انسانی که می‌میرد، درحالی‌که در قلبش روشنایی نشسته انسانی خوشبخت است /
خوشبخت کسانی هستند که پیش از این در راه وطن جان دادند / ...»

«.../ عَشْتُمُ الْأَحْقَابَ فِی اِکْنافِهِمْ / وَ طَعِمْتُمْ یَبِئْتُهُمْ خُبْرًا وَ مَاءً / وَ اِجَارُوكُمْ مِنَ الْقَوْمِ الْأَلِی / اَمْنَعُوا
فِیْكُمْ نَكَالًا وَ جِلَاءً / وَ اَذْكُرُوا مَا كَانَ فِی اَنْدَلُس / وَاَقْرَأُوا التَّارِیْخَ وَاسْتَوْحُوا الْاَبَاءَ / هَذِهِ یَافَا وَ ذِی
اِحْدَائُهَا / نَاطِقَاتٍ بِالذِّی یَجْلُو الْخَفَاءُ / قَدْ غَدَرْتُمْ وَ نَقَضْتُمْ ذِمًّا / فَجَزِیْنَاكُمْ وَدَادًا وَ وِلَاءً / وَ
حَرَقْتُمْ دُورَنَا وَ اَهْلَهَا / فَأَوْیْنَاكُمْ رِجَالًا وَ نِسَاءً /...» (www.poetsgate.com) ترجمه: مدت‌ها تحت
حمایت ایشان زندگی کردید و بینشان نان و آب خوردید / شما را پناه می‌دهیم از دست قومی
که اخراج شما منع کردند، آنچه در آندلس بود را به یاد آورید و بخوانید تاریخ را و غرور و ذلت
نپذیرفتن را از گذشتگان بیاموزید / این بندر یافا است و این حوادث چیزهایی را می‌گویند که
پنهان را آشکار می‌کند. / مکر و نیرنگ زدید و عهد را شکستید، اما شما را با دوستی پاداش
دادیم / خانه‌ها و خانواده‌هایمان را سوزاندید، درحالی‌که ما به مردان و زنانان پناه می‌دادیم / ...»

یکی از ویژگی‌های برجسته عرب مهمان‌نوازی است. شاعر افشا می‌کند که صهیون‌ها به
این مهمان‌نوازی خیانت کرده و ظلم روا داشتند. در میان خیانت صهیون‌ها، سران عرب و
زمامداران فلسطین نیز بی‌تقصیر نبودند. آنها سرنوشت مردم برایشان مهم نبود و به مسائل
مهم توجهی نداشتند. همین امر مردم آنها را نیز خائن پنداشتند و در شعر شاعران نیز این
نکوهش و خشم به مسئولان کشور نیز دیده می‌شود.

«.../ یَا لَیْتَ اِنَّا عَرَفْنَا مَا یَطْرُقُهَا / مِنَ الْمَعَانِی وَ مِنَ سَامِی الْعِبَارَاتِ / وَ لَیْتَنَا مَا جَهَلْنَا وَ مَا
جَمَعَتْ / مِنَ الْحُلُولِ لَاِبْعَادِ الظَّلَامَاتِ / وَ یَلِکُمْ، لَا تَلُومُوا، اِنَّا بَشَرٌ / مِنَ الثَّرَابِ وَ اَنْتُمْ مِنَ
السَّمَاوَاتِ / مَذْکُرَاتٍ، کَثَارُ الْعَدِّ قَدْ سَبَقَتْ / هَذِی فَرَاخَه شَطَايَا کَالْقَصَاصَاتِ / یَا سَادَتِی! قَدْ
قَضَیْتُمْ فِی کِتَابِهَا / شَهْرًا، فَأَمْهَلْتُمْ شَهْرًا وَ سَاعَاتٍ / مَاذَا جَنِیْتُمْ سِوَى اَعْرَاضِ امْتِکَم / عَنْکُمْ
وَ غَیْرِ شِمَاتَاتِ الْحُكُومَاتِ؟ / طُوبِی لَکُمْ قَدْ حَصَدْتُمْ بَعْضَ مَا بَدَرْتُ / اَیْدِیکُمْ مِنْ زُؤَانٍ ...»

فَارَقَبُوا الْآتِي! /...». (www.poetsgate.com) ترجمه: کاش ما (مردم) از متن معاهده خبر داشتیم / کاش نادانی نمی‌کردیم چون راه حل‌ها در تاریکی قرار نمی‌گیرد / همانا ما از خاکیم و شما از ملکوت / تعداد زیادی مذاکرات هستند؛ اما ای سرورم برای نوشتن این معاهده یک ماه وقت گذاشتید و ساعت‌ها سپری شد / اما چه چیزی به دست آوردید جز روی‌گردانی ملت از شما و سرزنش حکومت‌ها؟ / خوش به حالشان (بابت معاهده‌های ننگین) که با دستانتان بذر تلخی کاشتید / مراقب آینده باشید! /... .

با توجه به بررسی محتوای آثار منتخب دو شاعر به نظر می‌آید در کنار تفاوت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی وطن دو شاعر، شاخصه‌های مشترک زیادی با مضمون ادبیات پایداری در آثارشان به چشم می‌خورد. در ادامه در قالب (جدول ۱) شاخصه‌های مورد تأکید در اشعار هر یک از دو شاعر ارائه شده است و ویژگی‌های شعری هر دو شاعر در (جدول ۲) ارائه شده است:

(جدول ۱): نمایش اولویت‌بندی و توجه شاخصه‌های مختلف فرهنگ مقاومت در شعر مقاومت دو هنرمند معاصر (منبع نگارنده)

ردیف	شاخصه‌های ادبیات مقاومت	سلامه	عبدالخالق	توضیحات
۱	دعوت به مبارزه و مقاومت			
۲	افشاگری ظالم			
۳	تمجید شهادت			
۴	طرح نمادهای اسطوره‌ای دینی		----	نگاه سلامه جهان‌شمول‌تر است. نگاه عبدالخالق ملی‌گرایانه‌تر است.
۵	ملی‌گرایی	----		
۶	تمجید و ستایش مبارزان			
۷	نکوهش حاکمان			ابراز انزجار از یزیدیان
۸	امید به آینده‌ای روشن			

جدول ۲: ویژگی‌های شعری هر یک از دو شاعر مقاومت (منبع نگارنده)

ردیف	ویژگی‌های شعری	سلامه	عبدالخالق
۱	تصویرسازی ساده	تا حدی	تأکید دارد
۲	بیان روایی‌گونه	تأکید دارد	ندارد
۳	به‌کارگیری آیات قرآن	با وجود مسیحی بودن تأکید زیادی بر به‌کارگیری آیات قرآن دارد.	استفاده مستقیم ندارد.
۴	استفاده از ساده‌گویی	تا حدی	تأکید دارد
۵	سبک	حماسی، کلاسیک	رومانتیکسم

۶. بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ مقاومت صرفاً یک امر خیالی یا شعار نیست، بلکه یک رویارویی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است که به اقتضای هر موقعیتی عملکرد دفاعی منحصر فردی می‌طلبد. فرهنگ مقاومت در زوایای مختلف آثار منظوم بولس سلامه به صورتی لطیف جلوه‌گر است. بررسی‌ها نشان داد این شاعر مسیحی به دین اسلام و بزرگان مسلمانان اشراف و احترام ویژه قائل است و در حوزه تاریخ اسلام معرفت خوبی دارد. او در پی بیداری قوم عرب و بازگرداندن عظمتشان، به سرودن اشعار حماسی پرداخته است. در اشعارش روحیه حقیقت‌طلبی، تعهد، تجلیل و ستایش خوبان، ابراز انزجار و افشاگری درباره ظالمان زیاد دیده می‌شود. او شیفته حضرت علی (ع) و شهادت و ایثار حضرت حسین بن علی (ع) است، به‌گونه‌ای که چندین قصیده و حتی کتاب شعر درباره احوال ایشان از خود به جا گذاشته است. در اشعار بولس سلامه به صورت مستقیم و غیرمستقیم از آیات قرآن استفاده شده است. از طرف دیگر ویژگی‌های آثار عبدالخالق را این‌طور می‌توان بیان کرد که او دغدغه زندگی مصیبت‌بار مردمان فلسطین و شرایط دردناک اشغال سرزمینش توسط صهیونیست‌ها را دارد. او کشورش فلسطین را با عنوان شهید نام می‌برد. آشنایی و اشراف او بر مسائل سیاسی روز کشورش، در اشعارش مشهود است مانند استعمار انگلیس و زمینه‌سازی‌های

ظهور صهیونیسم در کشورش، همچنین سیاست‌های کشتار علیه فلسطینیان. عبدالخالق پیوسته از مردم در جهت مبارزه با استبداد داخلی و مبارزه با دشمن خارجی برای رسیدن به آزادی دعوت می‌کند. تکریم و تمجید شهید و ارزش نهادن به مرگی که در راه دفاع از میهن اتفاق می‌افتد نیز در اشعارش بسیار به چشم می‌خورد. نگاه عبدالخالق به مضمون مقاومت به شدت ملی‌گرایانه است درحالی‌که زاویه دید سلامه جهان‌شمول و فرامرزی است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابوشاور، سعدی. (۲۰۰۳). تطور الاتجاه الوطنی الشعر الفلسطینی المعاصر. بیروت: المؤسسه العربیه للدراسات و النشر.
۳. ابویسانی، حسین. (۱۳۹۲). سمیح القاسم و شعر معاصر فلسطین. تهران: چاپخانه سروش.
۴. احمد صالح، جهاد. (۲۰۱۲). مطلق عبدالخالق رائد الشعر الرومانسی فی فلسطین.
۵. بهنام، حمید. (۱۳۹۶). بررسی مکتب رمانتیسیم در اشعار مطلق عبدالخالق شاعر فلسطینی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
۶. الجندی، سمیر. (۲۰۰۹). المرأة فی شعر مطلق عبدالخالق. بحوث فی اللغة العربیه.
۷. خالد علی. (۱۹۷۸). تمهید الشعر الفلسطینی قبل النکبه. بغداد: دار الحربه للطباعة.
۸. رضوان، هادی. (۱۳۹۰). «نگاهی به ریشه های ادبیات مقاومت (موردی شعر مقاومت صدر اسلام)». فصلنامه پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد سنندج، سال ۳، شماره ۶، ص ۱۸۱-۱۶۰.
۹. زرقانی، علی. (۱۳۸۸). بررسی موضوعی شعر بولس سلامه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
۱۰. سلیمانی پای طاق، فائزه. (۱۳۹۵). جایگاه مطالعات فرهنگی در ادبیات پایداری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۱. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادبیات پایداری. نشریه شعر، شماره ۳۹. ص ۵۵-۴۵.
۱۲. السوافیری، کامل. (۱۹۶۴). الشعر العربی الحدیث فی ماسا فلسطین من سنه ۱۹۱۷ الی سنه ۱۹۵۵. فلسطین: مکتبه نهضه مصر بالفجالة.
۱۳. السید، کمال. (۲۰۰۴). بولس سلامه شاعر الغدیر و الکربلاء. الطبعة اثنیه، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۱۴. شراب، محمد حسین. (۲۰۰۶). شعراء فلسطین فی العصر الحدیث صور التلوی و الحاضر و استشراف المستقبل. الاردن: الاهلیه النشر و التوزیع.

۱۵. شرفی، الهام. (بی تا). نقش فرهنگ بومی لرستان در ایجاد ادبیات مقاومت. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. ص ۱-۲۴.
۱۶. شمس الدینی، اعظم. خسروی، کبری. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی غدیریه های فارسی و عربی مورد مطالعه غدیریه های شهریار و بولس سلامه». فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال اول، شماره ۳. ص ۱۵۴-۱۲۷.
۱۷. صابری، گلناز. (۱۴۰۱). شاخصه ها و مؤلفه های فرهنگ مقاومت در قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد.
۱۸. غربی، فاطمه. (۱۳۹۳). ترجمه و شرح گزیده ای از اشعار بولس سلامه درباره امام حسین و واقعه کربلا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
۱۹. فرمی باف، سید حسین. خواجه پور، کمال. عاصی، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). «ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات». مجله سیاست دفاعی، سال ۲۸، شماره ۱۱۲، ص ۱۹۹-۱۶۷.
۲۰. کحاله، عمر رضا. (۱۹۸۵). المستدرک علی معجم المؤلفین، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۱. لنگرودی، عبدالعلی. جمال، وحیداله. (۱۴۰۱). «واکاوی مضامین اجتماعی در شعر محمود درویش و قهار عاصی». نشریه ادبیات پایداری دانشگاه باهنر کرمان، سال ۱۴، شماره ۲۷، ص ۳۴-۸.
۲۲. نو دامادی، رضا پیری. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در شعر رشید سلیم، خوری و ایرج میرزا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل.
۲۳. مجیدی، حسن. (۱۳۹۱). «ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی تحت اشغال به عنوان نمونه فلسطین و عراق». نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، سال سوم، شماره پنجم. ص ۴۲۱-۴۱۲.
۲۴. محسنی نیا، ناصر. (۱۳۸۸). «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب». نشریه پژوهشی ادبیات پایداری باهنر کرمان، سال اول، شماره اول. ص ۱۵۸-۱۴۴.
۲۵. ملکی راد، محمود. (۱۴۰۰). «کارکرد معرفتی و ارزشی فرهنگ انتظار در تعمیق راهبرد مقاومت با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی». دوفصلنامه تخصصی جامعه مهدوی، سال دوم، شماره دوم، پیاپی ۴. ص ۱۵۵-۱۲۷.